

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد وآله طاهرین

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِیْكَ الْفَرَجَ

ضمن عرض تسلیت روز شهادت امیر مؤمنان صلوات الله وسلامه علیه به پیشگاه مقدس حضرت صاحب الزمان ارواحنا فراه بیست و یکمین قسمت از خطبه شعبانیه را در محضرتان هستیم. دیروز رسیدیم تا آن جایی که پیامبر پیش گوئی فرمودند از حوادث محراب خونین مسجد کوفه. خب اگر چنین خبری به من و شما برسد از ناحیه پیامبر بزرگوارمان چه سوالی برای ما مطرح می شود؟ آیا دنبال راه فرار از این نوع شهادت هستیم؟ دنبال این هستیم که چگونه از این حادثه پیش گیری کنیم یا نه؟ سوالی که برای امیر مومنان سلام الله علیه مطرح است این است :

"قالَ امیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیْهِ السَّلَامُ : فَقُلْتُ: یا رَسولَ اللّٰهِ وَذَلِکَ فی سَلَامَةٍ مِنْ دِینِی؟ فَقالَ صل الله علیه وآله وسلم فی سَلَامَةٍ مِنْ دِینِکَ" امیرمؤمنان سلام الله علیه می فرمایند وقتی پیامبر حوادث را بیان فرمودند سوال کردم یا رسول الله

هنگامی که این حادثه مقدمه شهادت من فرامی رسد و محاسن من به خون سرم رنگین خواهد شد، آیا دین من به سلامت است. آیا دین سالم با خود به برزخ می برم یا نه؟ این سوال خیلی محل تفکر و توجه برای ما باید باشد. "وَذَلِکَ فی سَلَامَةٍ مِنْ دِینِی؟" آیا در آن هنگام دین من سالم هست؟ آیا دین من دستخوش حوادث نمی شود؟ و پیامبر پاسخ می فرمایند: بله دین شما سالم خواهد بود. "فی سَلَامَةٍ مِنْ دِینِکَ." از اینجا معلوم می شود که حفظ دین مهم ترین وظیفه ماست. بالا تر از حفظ جان، بالاتر از حفظ مال، حفظ آبرو. و هر نوع مالکیتی که ما داریم. هر نوع کمالی که در ما هست، حفظ دین بر همه این کمالات ترجیح دارد. لذا در غرر الحکم از وجود مقدس امیرمؤمنان سلام الله علیه داریم که فرمودند: "المُصِیْبَةُ بِالذِّینِ اعْظَمُ المَصائبِ." در دین انسان دچار گرفتاری و مصیبت بشود،

بالاترین مصیبت ها را دریافت کرده است. چرا؟ چون از دست دادن دین برابر است با شقاوت و بدبختی و نکبت اخروی و همیشگی. یعنی انسان برای همیشه همه نعمت های خوب را باید از دست بدهد، اگر دینش را رها کند.

بنابراین از این کلام مقدس امام سلام الله علیه می فهمیم که حفظ دین مقدم بر همه چیز است. و باز زیباست که حدیث دوم را هم از فرمایشات آن بزرگوار بهره بگیریم. در کتاب شریف اصول کافی مرحوم کلینی نقل می کند از وجود مقدس امیرمؤمنان سلام الله علیه: " فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ" اگر بلایی بر شما خواست نازل شود مال و ثروت خودتان را فدای جان خودتان نکنید. در مقابل دزدی هستید که تهدید به قتل می کند. خب انسان از مالش بگذرد اما جانش را حفظ کند. در مقابل بیماری ای هستید که معالجه این بیماری هزینه بردار است. انسان مال خودش را صرف می کند اما جان خودش را نگه داری می کند. اما در رتبه بالاتر: "و إِذَا نَزَلَتْ نَارِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ" اما اگر بر سر دو راهی قرار گرفتیم. که دین مان را حفظ کنیم یا جانمان را، در این جا، جان را فدای دین کنید. که این جا خیلی ها کم می آوریم. این جا خیلی ها لنگ می زنیم. و کوتاهی می کنیم. لذا اگر قرار است در مشکلاتی قرار بگیریم بین مال و جان، خب مال را فدای جان می کنیم. اگر بین دین و جان گرفتار شدیم بایستی جان را فدای دین کرد. چرا باید این کار را کرد؟ ادامه حدیث بسیار زیباست. "وَاعْلَمُوا أَنَّ الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ" بدانید که هلاک شونده واقعی کسی است که دینش را رها کند. و غارت زده به تمام معنا کسی است که دینش غارت شده باشد. حریب با "ح" در کتاب لغت، من دقت کردم معنای خیلی زیبایی دارد. من با ذکر یک مثال خدمت تان عرض می کنم. یک وقت کسی در حال سفر است، سارقین و دزدان و افراد نابخرد از نبود او سوء استفاده می کنند و منزل او را تخلیه می کنند. مقداری از ثروت خانه او را به سرقت می برند. یا نه در سفر است و کیف پول او را می دزدند. خب باز آن چه که در وطن دارد برای او می ماند. کیف پول سفرش به غارت رفته. در حالت اول موجودی منزلش به غارت رفته و کیف پول و بقیه ثروتش برایش باقی مانده. اما فرض کنیم کسی قصد مهاجرت از کشوری به کشور دیگر را دارد. تمام زندگی اش را تبدیل به ارز خارجی کرده و همه این ها را در یک کیف دستی قرار داده، حالا این کیف را از او می دزدند. این کیف را که می دزدند، در واقع کل موجودی زندگی این آدم به غارت رفته. حریب در لغت عرب به این معنای آخر است. یعنی غارت زده ای که همه دارایی اش را برده اند و هیچ چیزی برایش باقی نمانده است. می فرمایند غارت زده واقعی کسی است که دینش را از دست داده باشد. خب این جا زنگ خطری است برای ما محبین امیرمؤمنان سلام الله علیه باید عرض کنیم:

جایی که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد. وقتی امیرالمؤمنین سلام الله علیه با آن مقام شان نگران دین

هستند که یا رسول الله "فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟" ما چه باید بگوییم. در این جا بایستی توجه کنیم که ائمه

هداۀ معصومین سلام الله عليهم اجمعین برای این مشکل ما راه حل هایی را پیشنهاد فرموده اند. که مهم ترین راه حل آن یکی فهم صحیح از دین است. دین شناسی به معنای واقعی، آشنایی با فرهنگ دین، درایت و فهم دقیق دین، تفقه در معانی و حقایق دین، دریافت معارف دین از اهل البیت علیهم السلام از سرچشمه های پاکی و پاکیزه گی، دین را باید دریافت کنیم. این یک بحث است و بحث دوم هم بحث دعاست. که هرچقدر دعا کنیم در این زمینه قطعاً موثر خواهد بود. از فرمایشات امام عسکری سلام الله علیه داریم که وقتی شرایط سخت دوران غیبت را بیان کردند، **وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَفَهُ لِدُعَاءِ بَتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛**<sup>۱</sup>

در عصر غیبت از این گرفتاری ها و مصیبت های دینی نجات پیدا نمی کند مگر کسی که خدای متعال قلب او را بر مسیر دین ثابت بدارد و توفیق دعای بر فرج را به او کرامت فرماید. لذا یکی از دعاهایی که از امام صادق سلام الله علیه داریم، مخصوص دوران غیبت، وقتی حضرت بیان می کنند چه مشکلاتی برای شیعیان پیش می آید و چه گرفتاری های عجیب و غریب، راوی عرض می کند که یابن رسول الله اگر آن زمان رادرک کردیم چه کنیم؟ می فرمایند دعای غریق یا دعای حریق را زیاد بخوانید. غریق یعنی کسی که در حال غرق شدن در دریاست و حریق یعنی کسی که در میان آتش افتاده و دنبال راه فرار می گردد. هر دو نشانه شدت گرفتاری و اضطراب انسان است. می فرمایند آن دعا را زیاد بخوانید و دعا این است: **"ياَ اَللّهُ ياَ رَحْمَنُ ياَ رَحِيْمُ ياَ مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِيْنِكَ"**<sup>۲</sup>

امیدواریم به برکت وجود مقدس امیرمؤمنان سلام الله علیه و به توفیق ولایت آن حضرت، خدای متعال همه ما را نسبت به این دعا توفیق عنایت کند که هم این دعا را بخوانیم و خود خدای متعال این دعا را به لطف و کرمش و به واسطه اولیاء اش به درجه اجابت برساند که این دینی که به ما عنایت کرده اند تا آخرین لحظه با خود همراه داشته باشیم.

و السلام علیکم و رحمہ الله برکاته

<sup>۱</sup> کمال الدین ج ۲ ط الغفاری ص ۳۸۴ بحار الانوار ج - ۵۲ ص ۲۴

<sup>۲</sup> شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۳۵۱ - ۳۵۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق